

اثربخشی برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و تفکر انتقادی کودکانشان

رضا جعفری هرندی^{۱*}، سوسن بهرامی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: rjafarih@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و تفکر انتقادی کودکانشان بود. روش پژوهش حاضر، شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش را دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ به همراه مادرانشان تشکیل دادند. از این تعداد ۳۰ مادر دانش‌آموز به صورت در دسترس انتخاب و به تصادف در گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند و از مادران خواسته شد تا پرسشنامه تفکر انتقادی (CTQ) را در مورد کودک خود و پرسشنامه استفاده آسیب‌زا از اینترنت (IAUQ) را در رابطه با خود تکمیل نمایند. در ادامه، مادران گروه آزمایش بر اساس برنامه درسی سواد رسانه‌ای مورد آموزش در یک نیم‌سال قرار گرفتند؛ در حالی که گروه کنترل هیچ آموزشی در این زمینه دریافت نکرد. تحلیل آماری داده‌ها، با نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و روش تحلیل کوواریانس انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد اثر برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی بر استفاده آسیب‌زا از اینترنت در مادران و تفکر انتقادی کودکان معنادار است ($p < 0.05$). بنابراین برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین می‌تواند به عنوان یک فوق‌برنامه به منظور کاهش استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و افزایش تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در نظر گرفته شود. **کلیدواژه‌ها:** آموزش سواد رسانه‌ای ویژه والدین، استفاده مشکل‌زا از اینترنت، تفکر انتقادی، دوره ابتدایی.

استناد به این مقاله:

جعفری هرندی، رضا؛ بهرامی، سوسن. (۱۴۰۳). اثربخشی برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و تفکر انتقادی کودکانشان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۲۰ (۳): ۳۷-۴۷. doi: 10.22051/jontoe.2024.45342.3853

مقدمه

در جامعه‌ی مبتنی بر اطلاعاتِ معاصر، اینترنت عمیقاً در زندگی روزمره‌ی مردم نفوذ کرده و امکانات متعددی را برای آنان فراهم نموده است و در نتیجه به‌عنوان یک تسهیل‌کننده‌ی ارتباطات اجتماعی، منبع اطلاعات ارزشمند و بستری برای سرگرمی شناخته می‌شود (لیو و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۱)؛ به‌همین دلیل دسترسی به اینترنت و استفاده از تلفن‌های هوشمند و دیگر دستگاه‌های فناوری مبتنی بر اینترنت به‌سرعت افزایش یافته است (دی-ماسی و واک، ۲۰۲۲، ص. ۳۸۳). علیرغم اینکه استفاده بهینه از اینترنت مفید است، اما استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت^۱ می‌تواند اثرات مضر داشته باشد (لیو و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۱).

چندین محقق گزارش کرده‌اند که استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت ممکن است عواقب نامطلوب زیادی از جمله ورزش کمتر، حذف وعده‌های غذایی و دیر خوابیدن (اوتساکا و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۱؛ یانیدیس و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۵۶۹) را به همراه داشته باشد که منجر به چاقی و اضافه وزن یا کمبود وزن می‌شود (پارک و لی، ۲۰۱۷، ص. ۲۷۵). نتایج پژوهشی که اخیراً انجام شده است نشان می‌دهد نزدیک به ۵۰ درصد از افرادی که دچار استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت هستند، رفتارهای بهداشتی ضعیفی دارند و حدود ۲۷ درصد معیارهای یک دوره‌ی افسردگی و حدود ۷ درصد از یک اختلال خوردن رنج می‌برند. بنابراین بر اساس نتایج در دسترس، استفاده‌ی مشکل‌زا از اینترنت با رفتارهای حفاظتی-سلامتی کمتر، علائم افسردگی شدیدتر و اختلالات خوردن بالاتر همراه است (کوزیسکا و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱). هر چند عواقب نامطلوب استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت ثابت شده است، اما تعداد کمی از مطالعات استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت در بزرگسالان را مورد بررسی قرار داده‌اند و این در حالی است که شیوع این مشکل در بزرگسالان بین ۴ تا ۶۲ درصد گزارش شده است. نکته‌ی دارای اهمیت آن است که شیوع استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت در نوجوانان ۶ درصد برآورد شده و به همین دلیل توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است؛ با اینکه در شرایطی این نرخ شیوع در بزرگسالان بیشتر است (ساکاکیهارا و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۵۷۹). بنابراین با مقایسه نرخ شیوع استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت در بزرگسالان و نوجوانان، برخی از محققان نسبت به دست کم گرفتن این مشکل در بزرگسالان هشدار می‌دهند (دوریس و همکاران، ۲۰۱۸، ص. ۱؛ لوپز، فرناندز و همکاران، ۲۰۲۳، ص. ۱).

تعداد مطالعات متمرکز بر استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت در بین زنان باردار و مادران حتی کمتر است و این در صورتی است که مطالعاتی که اخیراً انجام شده گزارش نموده‌اند که استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت در والدین جوان (۱۸ تا ۲۵ سال) قوی‌تر از نوجوانان (۱۲ تا ۱۸ سال) است (ژو و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۱). مطالعه‌ی دیگری نشان داد ۲/۸ درصد از مادران بالای ۲۰ سال، مشکوک به اعتیاد به اینترنت هستند و جزو کاربران مشکل‌ساز محسوب می‌شوند. افزون بر این، آنان تصریح کردند که سطح استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت با احساسات منفی مرتبط با فرزند پروری افزایش می‌یابد (فوجیوکا و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۱). در پژوهشی دیگر، میزان شیوع استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت در بین زنان ۱۶ تا ۲۹ ساله و ۳۰ تا ۳۹ سال به ترتیب ۱/۷ و ۱/۴ درصد گزارش شد. در مطالعات مختلف نیز شیوع استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت، در مادران از ۴ تا ۳۵/۸ درصد گزارش شده است که نیاز به تمرکز بیشتر بر استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت در مادران و ضرورت اعمال مداخلاتی در این زمینه را نشان می‌دهد (ساکاکیهارا و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۵۸۰).

ژو و همکاران (۲۰۲۲، ص. ۲۱) گزارش نمودند که استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت، تعاملات والد-کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع تجربه‌هایی که نوزاد با مراقبش دارد، بر کودک و آینده‌ی او تأثیر دارد و در صورت شکست در شکل‌دهی این رابطه و محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره‌ی دلبستگی که ممکن است در اثر استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت رخ دهد، می‌تواند مشکلات بسیاری را در کودک ایجاد کند (حبیبی‌کلیر و بهادری خسروشاهی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶)؛ اعتمادی‌زاده، محمدی و آریاپوران، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۷). یکی از این مشکلات، ناتوانی در تفکر انتقادی^۲ است (اسحاق نیموری و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۶۱). تفکر انتقادی یکی از توانایی‌های ارزشمند فکری است که کودکان باید آن را برای رویارویی با وقایع زندگی، ارزشیابی و تصمیم‌گیری‌های منطقی کسب کنند

1. problematic Internet use
2. critical thinking



(فیروزفر و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۶). از آنجایی که از یک طرف تفکر انتقادی ضعیف یکی از دلایل بروز پدیده استفاده آسیب‌زا از اینترنت در افراد است (توماس، ۲۰۲۰، ص. ۱۵۷) و والدینی که دارای ضعف در تفکر انتقادی هستند، به احتمال زیاد در القای این ویژگی به فرزندان خود نیز نمی‌توانند موفق عمل نمایند، بنابراین نقص در این مهارت یکی از مشکلات فرزندان مادران با استفاده آسیب‌زا از اینترنت است و به این ترتیب به منظور ارتقای تفکر انتقادی در کودکان این مادران، لازم است تا مداخلاتی در زمینه پرورش تفکر انتقادی (تاجی و دیبایی صابر، ۱۴۰۲، ص. ۷) و همچنین مدیریت استفاده صحیح از اینترنت ارائه شود و در این زمینه آموزش سواد رسانه‌ای^۱ به والدین پیشنهاد شده است (درویش‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۶۳؛ علی‌نژاد و عظیمی، ۱۴۰۲، ص. ۱؛ عظیمی و طباطبا، ۱۴۰۲، ص. ۱).

آموزش سواد رسانه‌ای چندین هدف ازجمله ایجاد تفکر خلاق، انتقادی و موشکافانه در مورد محتوا و عملکرد رسانه و نیز شناخت اشکال دیداری ارتباط با استفاده از آن را دنبال می‌کند (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۰). ساندرز (۲۰۱۴) معتقد است آموزش سواد رسانه‌ای علاوه بر یادگیری خواندن ظاهر پیام‌ها از رسانه‌های مختلف، به مخاطب خواندن خطوط نانوشته رسانه‌های مکتوب، تماشای برنامه‌های برنامه‌ریزی نشده یا گوش دادن به صداهای غیرپخش شده از رسانه‌های الکترونیکی را آموزش می‌دهد؛ مثلاً مخاطبی با سواد رسانه‌ای از اهداف و قراردادهای رسانه آگاه است و از آنها آگاهانه استفاده می‌کند. به بیان دیگر سواد رسانه‌ای، درک پیچیدگی فنی (عملکردی) و اجتماعی رسانه‌هاست که توانایی تجزیه و تحلیل و ارزیابی پیام‌ها و قدرت تولید و انتقال اطلاعات به دیگران در قالب‌های گوناگون و با ابزارهای مختلف را توسعه می‌دهد. آموزش سواد رسانه‌ای، با توانمندسازی افراد برای درک نحوه عملکرد رسانه‌ها و چگونگی منطقی بودن آنان، شناخت ماهیت و تعیین اهداف تولید پیام‌های رسانه‌ای و بررسی آثار و تکنیک‌های رسانه‌های مختلف، پیامدهای منفی رسانه‌ها بر اқشار آسیب‌پذیر جامعه را کاهش می‌دهد (بهادری خسروشاهی و برگی، ۲۰۱۸، ص. ۲۹۰).
 مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که هر چند مطالعات گسترده‌ای در زمینه سواد رسانه‌ای و الگوهای آموزش آن در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است (بنیسی و رضوانی، ۱۴۰۲، ص. ۱۸۴؛ ترین و دونگ، ۲۰۲۲؛ آستین و همکاران، ۲۰۲۱؛ عیدی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۲۷؛ انصاری و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۳؛ انصاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۱؛ سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۰)؛ اما پژوهش‌های اندکی آموزش سواد رسانه‌ای را در قالب برنامه درسی ویژه والدین دارای کودک مد نظر قرار داده‌اند (متولی رمضان، ۲۰۲۲، ص. ۱۹۸۳).

در این زمینه پیشنهاد شده است که مدارس، مهارت‌ها و شیوه‌های صحیح آموزش سواد رسانه‌ای را در قالب برنامه درسی به والدین آموزش دهند و انجمن‌های اولیا و مربیان در زمینه آگاهی بخشی درباره آسیب‌های نوپدید فضای مجازی فعال شوند (جعفری، ۱۳۹۷، ص. ۱؛ واعظ‌زاده و اکبرنتاج، ۱۴۰۰، ص. ۱). متولی رمضان (۲۰۲۲، ص. ۱۹۸۳) معتقد است افزایش سطح سواد رسانه‌ای در والدین منجر به افزایش توانایی آنان در جهت‌دهی و مشاوره با توجه به انتخاب محتوای مؤثر و مثبت برای فرزندان‌شان می‌شود. مندوزا (۲۰۱۹، ص. ۱۱) نیز نشان داد شیوه‌های مداخله والدین در استفاده فرزندان از رسانه، کمک می‌کند تا کودکان نسبت به رسانه‌ها تفسیر و تفکر انتقادی داشته باشند. بنابراین کمپین‌های رسانه‌ای، می‌توانند با هدف قرار دادن والدین به خصوص مادران به عنوان مراقبان اصلی، نه تنها استفاده آسیب‌زا از اینترنت را در این گروه کاهش دهند، بلکه در راستای ارتقای تفکر انتقادی کودکان گام بردارند.

به این ترتیب با توجه به آسیب‌هایی که استفاده نامطلوب مادران از اینترنت بر کودکان‌شان دارد و اهمیت مادران به عنوان منبع اصلی آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی به کودکان، در کنار عدم دسترسی به برنامه‌ای جهت تدریس چگونگی ارائه دانش و مهارت‌های رسانه‌ای از سوی مادران، این پژوهش به منظور ارتقای سواد رسانه‌ای کودکان به واسطه آموزش مادران با هدف بررسی اثربخشی برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و تفکر انتقادی کودکان‌شان انجام شد و درصدد پاسخگویی به این

سؤال بود که آیا برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر کاهش استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و افزایش تفکر انتقادی کودکان تأثیر دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش را دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهر اصفهان در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ به همراه مادرانشان تشکیل دادند. به منظور انتخاب این افراد از نواحی شش‌گانه مدارس شهر اصفهان، ۲ ناحیه و از این نواحی، چهار مدرسه دوره ابتدایی (دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب و با مراجعه به آن مدارس و اخذ رضایت از مدیر مدرسه و توضیح کامل اهداف پژوهش، تمامی مادران دانش‌آموزان پرسشنامه آسیب‌زا از اینترنت (IAUQ) را تکمیل کردند. سپس مادرانی که بالاترین نمرات را از این پرسشنامه دریافت نمودند به عنوان نمونه انتخاب شدند ($n = 64$). در مرحله بعد مادران طی مصاحبه اولیه بر اساس ملاک‌های ورود سن ۲۴ تا ۴۰ سال، عدم شرکت در مداخلات روان‌شناختی، عدم مصرف داروهای روان‌پزشکی، عدم ابتدا به مشکلات روان‌شناختی حاد یا مزمن، عدم ابتلا به بیماری‌های جسمانی مورد بررسی قرار گرفتند و ۳۰ مادر-کودک که بیشترین تطابق را با این معیارها داشتند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. در طول مداخله مادرانی که بیش از دو جلسه غیبت داشتند و یا تمایلی به شرکت در پژوهش را نداشتند، از روند پژوهش حذف شدند. در نظر گرفتن ۱۵ مادر-کودک نفر برای هر یک از دو گروه پژوهش، بر مبنای توصیه حداقل ۱۵ نفر برای هر یک از گروه‌ها در مطالعات آزمایشی بوده است (سرمد و همکاران، ۱۴۰۲).

ابزارهای گردآوری داده‌ها در این پژوهش شامل موارد زیر بود:

پرسشنامه تفکر انتقادی^۱ (CTQ، ۲۰۱۳): این پرسشنامه توسط ریکتس (۲۰۰۳) ساخته شده است. این مقیاس دارای ۳۳ سؤال و شامل ۳ زیرمقیاس خلاقیت، بالندگی و تعهد است که براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً موافقم = ۵ تا کاملاً مخالفم = ۱) نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر در این پرسشنامه به معنای تفکر انتقادی قوی‌تر است. پیش از این مطالعه، نیاکان و فانی (۱۳۹۴) و پورمحسنی‌کلوری و همکاران (۱۳۹۸) نیز این پرسشنامه را برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی استفاده کرده بودند. بیابانگرد در سال ۱۳۸۷ برای به دست آوردن روایی در پژوهش خود ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت یعنی آزمون و آزمون مجدد استفاده کرد و روایی آن را برای کل آزمودنی‌ها، آزمودنی‌های دختر و آزمودنی‌های پسر به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۸ و ۰/۶۷ گزارش نمود. پایایی این پرسشنامه توسط ایزدی‌فرد و سپاسی‌آشتیانی در سال ۱۳۸۹ به وسیله ضریب آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۹۴ و برای آزمودنی‌های دختر ۰/۹۵ و برای آزمودنی‌های پسر ۰/۹۲ گزارش شده است. در این پژوهش پایایی این پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش شد.

پرسشنامه استفاده آسیب‌زا از اینترنت^۲ (IAUQ، ۲۰۱۶): این پرسشنامه توسط کالوو-فرانسیس (۲۰۱۶) ساخته شده است و از جدیدترین مقیاس‌های خودگزارشی در این حیطه به شمار می‌آید. این ابزار دارای ۱۲ گویه است و به روش لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم = ۰ تا کاملاً موافقم = ۴) نمره‌گذاری می‌شود. نمرات بالاتر در این پرسشنامه به معنای استفاده آسیب‌زای بیشتر از اینترنت است. آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش کالوو _ فرانسیس (۲۰۱۶) برای زنان ۰/۹۱ و برای مردان ۰/۸۹ گزارش شده که نشان‌دهنده اعتبار بسیار خوب این آزمون است. همچنین دارای ضریب دینیمه‌سازی ۰/۸۶ برای دو جنس بوده است. همچنین نتایج بررسی همبستگی بین این پرسشنامه با مقیاس‌های کیفیت زندگی و اضطراب و افسردگی گلدبرگ نشان داد که این پرسشنامه به صورت

معناداری با این مقیاس‌ها همبستگی دارد (کالو-فرانسیس، ۲۰۱۶). این پرسشنامه توسط متقی و صفائی (۱۳۹۶: ۹۲) در ایران هنجاریابی شد و مشخص شد که آلفای کرونباخ کل برابر با ۰/۹۱ و روایی همگرایی با پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ برابر با ۰/۸۲ گزارش شد. در این پژوهش پایایی این پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شد.

لازم به ذکر است برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین، برای اولین بار در این پژوهش متناسب با مسائل مؤثر در آموزش سواد رسانه‌ای برای کودکان دوره ابتدایی تهیه و تدوین شد. به منظور شناسایی مؤلفه‌های این برنامه درسی، از روش سنتز پژوهی استفاده شد. روش به کار رفته در این بخش از پژوهش، با توجه به آنکه بیش از ۱۰۰ پژوهش معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش در دسترس بود، روش سنتز پژوهی بر اساس مدل قیاس طبق عناصر معرفی شده کلاین بود. به این منظور ۵۱ منبع که با شیوه انتخاب هدفمند و بر مبنای اشباع اطلاعاتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. با توجه به ماهیت غیرقابل پیش‌بینی بودن طرح‌های پژوهش کیفی، فنون نمونه‌گیری این پژوهش نیز انعطاف پذیر و نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود؛ زیرا مواردی انتخاب شدند که در راستای هدف پژوهش و دارای اطلاعات غنی بودند و نمونه‌گیری تا دستیابی به مورد تکراری، یعنی موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آید، ادامه داشت بنابراین جمع‌آوری داده‌ها در این مرحله تا حد اشباع ادامه داشت. در نهایت مؤلفه‌ها استخراج شد و اعتبار مضامین آنها، توسط ۱۰ متخصص، با استفاده از نسبت روایی محتوایی (CVR)، برای تک‌تک مؤلفه‌ها بررسی و تأیید شد. انتخاب متخصصین نمونه، به صورت هدفمند و تعداد آنها بر پایه حداقل تعداد مورد نیاز برای ارزیابی محتوایی بود (دوون، بلوک، موئل، ارنست، هایدن و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۵۵). میانگین مضامین شناسایی شده، به صورت شاخص روایی محتوایی کلی برابر با ۰/۹۳۲ به دست آمد که در مقایسه با مقدار استاندارد این شاخص (۰/۷۹) مقدار بزرگتری است؛ بنابراین مسائل استخراج شده در قالب **اهداف** شامل هدف کلی (ارتقای سواد رسانه‌ای در دانش‌آموزان دوره ابتدایی و اهداف جزئی (ارتقاء بعد شناختی، نگرشی و مهارتی سواد رسانه‌ای والدین و مجهز نمودن والدین به الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان)؛ **محتوا** شامل آشنایی با انواع رسانه و درک تأثیرات مثبت و منفی آنها، پرورش مهارت‌های شناخت و درک انتقادی، توانایی تجزیه و تحلیل، ارزشیابی، گروه‌بندی، استقراء، قیاس، ترکیب و خلاصه سازی، آموزش تولید محتوای رسانه‌ای مناسب، آموزش استفاده مفید از رسانه، میزان صحیح استفاده و کسب مهارت مقابله انتقادی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، آشنایی با پدیده قلدری و قلدری سایبری و شیوه مواجهه با آن، آشنایی با پدیده اعتیاد به اینترنت، فضای مجازی، اعتیاد به بازی و گوشی موبایل، ارائه الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان در خانه و ارائه توصیه‌هایی برای میزان استفاده از رسانه‌های مختلف؛ **راهبردهای یادگیری-یاددهی** در برگیرنده راهبردهای گفت و گو محور، مشارکتی/تعاملی و همدلانه، **ارزشیابی** شامل ارزیابی اطلاعات قبلی والدین نسبت به محتوای رسانه‌ای و ارزیابی سواد رسانه‌ای کودکان پس از ارائه برنامه درسی سواد رسانه‌ای؛ **گروه‌بندی** بر اساس والد-کودک؛ **منابع و امکانات مورد نیاز** شامل کتاب‌های داستان (الکترونیکی) مبتنی بر سواد رسانه‌ای و فیلم‌های مبتنی بر سواد رسانه‌ای؛ **زمان** به صورت چهار جلسه دوساعته در ساعات درسی دانش‌آموزان و **مکان** در مدارس دوره ابتدایی فرزندان از دقت و صحت نسبتاً بالایی برخوردار بوده است. در مرحله بعد برنامه درسی حاصل از مؤلفه‌ها تدوین و در اختیار ده متخصص قرار گرفت و پس از اصلاحات به صورت نهایی ارائه شد (در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است). در مرحله تعیین اعتبار اجرایی، پس از محاسبه ضریب توافق (توافق درونی) با استفاده از ضریب کاپای کوهن^۱ و ارزیابی مجدد بسته توسط ۱۰ متخصص، برنامه درسی آماده اجرا شد. ضریب توافق پنج داور، در مورد این برنامه بین ۰/۹۳ تا ۱ در نوسان بود. علاوه بر این، طی یک مطالعه مقدماتی (پایلوت) تأثیر این برنامه درسی بر تفکر انتقادی ($t=3/740$ و $p<0/05$) و استفاده آسیب‌زا از اینترنت (۳/۷۹۶ $t=$ و $p<0/05$) بررسی و تأیید گردید.

در مرحله بعد، به روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۳۰ مادر-کودک دانش‌آموز دوره ابتدایی انتخاب و به تصادف و از طریق قرعه کشی به‌عنوان گروه آزمایش و کنترل در نظر گرفته شدند و از مادران خواسته شد تا پرسشنامه تفکر انتقادی (CTQ) را درباره کودک خود

1. Cohen's kappa coefficient

و پرسشنامه استفاده آسیب‌زا از اینترنت (IAUQ) را در رابطه با خود تکمیل نمایند. در ادامه، مادران گروه آزمایش بر اساس برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی مورد آموزش در یک نیم‌سال قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. این برنامه توسط محقق و در مرکز فرهنگی خانه جوان اصفهان اجرا شد. در نهایت بعد از اتمام نیم‌سال تحصیلی، پس از آزمون به اجرا درآمد. تحلیل آماری داده‌ها، با استفاده از نسخه ۲۶ نرم افزار SPSS و تحلیل کوواریانس انجام شد.

جدول شماره ۱. برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی

اجزای برنامه	ارکان
اهداف	هدف کلی: ارتقای سواد رسانه‌ای در دانش‌آموزان دوره ابتدایی اهداف جزئی: ارتقای ابعاد شناختی، نگرشی و مهارتی سواد رسانه‌ای والدین، مجهز نمودن والدین به الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان
محتوا	آشنایی با انواع رسانه و درک تأثیرات مثبت و منفی آنها پرورش مهارت‌های والدین شامل، توانایی شناخت و درک انتقادی، توانایی تجزیه و تحلیل، ارزشیابی، گروه‌بندی، استقرا، قیاس، ترکیب، خلاصه سازی آموزش تولید محتوای رسانه‌ای مناسب آموزش استفاده مفید از رسانه، میزان صحیح استفاده و کسب مهارت مقابله انتقادی آموزش مهارت‌های ارتباطی آشنایی با پدیده قلدری و قلدری سایبری و شیوه مواجهه با آن آشنایی با پدیده اعتیاد به اینترنت، فضای مجازی، اعتیاد به بازی و گوشی موبایل ارائه الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان در خانه: تجهیز نمودن والدین به الگوی آموزش سواد رسانه‌ای: گام اول: مصرف کارکردی: ارتقای درک رسانه، آموزش استفاده از سخت افزارها و نرم افزارهای مختلف توسط والدین یا شرکت در کارگاه‌های آموزشی مربوطه، آموزش همدلی از طریق ایفای نقش، تقویت تفکر مراقبتی، پرورش احساس تعهد و مسئولیت، شرکت مشتاقانه در بحث‌ها و گفت‌وگوی فعال؛ گام دوم: مصرف انتقادی: تحلیل و برآورد پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محتوای رسانه؛ پاداش‌دهی به نقد و پرسشگری مداوم؛ پرورش قابلیت نمونه‌گیری، تشویق به باز ترکیب و مقایسه محتوای رسانه‌ای، بررسی انتقادی محتوای رسانه، درخواست برای ارزشیابی محتوای رسانه؛ گام سوم: تولید-مصرف کارکردی: آموزش تولید محتوا، آموزش اشتراک‌گذاری، آموزش قابلیت آزمونگری دائم تولیدات؛ گام چهارم: تولید مصرف انتقادی: تشویق به مشارکت فعال، آموزش مهارت‌های اجتماعی، تشخیص تقلب‌ها و فریبکاری‌ها، آشنایی با سلبریتی‌ها و ملاک‌های اعتبار صحبت‌های آنان، توضیح در مورد خبرهای جعلی، آموزش در مورد پدیده قلدری سایبری و مواجهه با آن، آموزش قضاوت در مورد تبلیغات تجاری و سیاسی، ارائه ایده‌های اصیل ارائه توصیه‌هایی برای میزان استفاده از رسانه‌های مختلف
راهنماهای یادگیری- یاددهی	گفت‌وگو محور مشارکتی/تعاملی همدلانه
ارزشیابی	ارزشیابی اطلاعات قبلی والدین نسبت به محتوای رسانه‌ای ارزشیابی سواد رسانه‌ای کودکان پس از ارائه برنامه درسی سواد رسانه‌ای
گروه‌بندی	گروه‌بندی بر اساس والد-کودک
منابع و امکانات مورد نیاز	کتاب‌های داستان (الکترونیکی) مبتنی بر سواد رسانه‌ای فیلم‌های مبتنی بر سواد رسانه‌ای
زمان	به صورت مداوم در یک نیم سال تحصیلی
مکان	در مدارس دوره ابتدایی فرزندان

یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۲، شاخص‌های توصیفی نمرات تفکر انتقادی و استفاده آسب‌زا از اینترنت در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه کنترل و آزمایش ارائه شده است. لازم به ذکر است پیش از اجرای تحلیل کوواریانس، در راستای بررسی پیش‌فرض‌های این نوع تحلیل، آزمون شاپیرو-ویلک نشان داد در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون توزیع داده‌ها نرمال است ($p > 0/05$)، آزمون لوین نیز نشان داد برای واریانس خطا بین دو گروه پژوهش رعایت شده است ($p > 0/05$).

جدول شماره ۲. مقادیر میانگین، انحراف معیار و آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره اثرات برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی

انواع اهداف	گروه	میانگین پیش‌آزمون	میانگین پس‌آزمون	مقدار f	سطح معناداری	ضریب تأثیر
استفاده آسب‌زا	آزمایش	۲۹/۲۰	۲۵/۸۶	۳۱/۵۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۵۳۹
	کنترل	۳۰/۵۳	۳۰/۷۳			
تفکر انتقادی	آزمایش	۴۹/۱۳	۵۴/۹۳	۱۶/۹۵۰	۰/۰۰۰۱	۰/۳۸۶
	کنترل	۵۰/۳۳	۵۰/۲۰			

نتایج جدول شماره ۲، نشان می‌دهد در گروه آزمایش استفاده آسب‌زا از اینترنت در مادران و تفکر انتقادی در کودکان در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون تغییر داشته است. بر اساس نتایج این جدول، با کنترل کردن نمرات پیش‌آزمون هر دو گروه، اثر برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی بر استفاده آسب‌زا از اینترنت در مادران و تفکر انتقادی کودکان معنادار است و این برنامه درسی باعث می‌شود آسب‌زا از اینترنت در مادران کاهش و تفکر انتقادی در کودکان افزایش یابد. نتایج ضریب تأثیر نشان می‌دهد که ۵۳/۹ درصد از تفاوت آسب‌زا از اینترنت و ۳۸/۶ درصد از تفاوت تفکر انتقادی بین دو گروه کنترل و آزمایش، ناشی از برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی بوده است.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف از این پژوهش بررسی اثربخشی برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر استفاده آسب‌زا از اینترنت مادران و تفکر انتقادی کودکان نشان بود. نتایج به دست آمده نشان داد که اعمال این برنامه درسی در یک نیم‌سال تحصیلی باعث می‌شود استفاده آسب‌زا از اینترنت در مادران کاهش و تفکر انتقادی در کودکان افزایش یابد. از آنجایی که برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی برای اولین بار در این پژوهش تدوین و اثربخشی آن بررسی شده است، نمی‌توان به صورت مستقیم استنادی به همسویی و یا ناهمسویی این یافته‌ها با مطالعات پیشین داشت؛ اما می‌توان به صورت غیرمستقیم این بخش از یافته‌ها را با پژوهش متولی رمضان (۲۰۲۲، ص. ۱۹۸۳) مبنی بر تأثیر برنامه درسی افزایش سطح سواد رسانه‌ای در والدین بر افزایش سطح سواد رسانه‌ای و توانایی جهت‌دهی و مشاوره در مورد محتوای مؤثر و مثبت رسانه برای فرزندان و پژوهش مندوزا (۲۰۱۹، ص. ۱) مبنی بر اثربخشی شیوه‌های مداخله والدین در استفاده فرزندان از رسانه همسو دانست.

در خصوص مکانیسم اثر برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر استفاده آسب‌زا از اینترنت مادران می‌توان بر اساس مبانی نظری به افزایش سواد رسانه‌ای مادران نسبت داد. افزایش سواد رسانه‌ای در این گروه موجب ایجاد تفکر خلاق، انتقادی و موشکافانه در مورد محتوا و عملکرد رسانه و نیز نحوه صحیح استفاده از آن می‌شود (سالاریان و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۹). افزایش سواد رسانه‌ای علاوه بر یادگیری خواندن ظاهر پیام‌ها از رسانه‌های مختلف، به مخاطب خواندن خطوط نانوشته رسانه‌های مکتوب، تماشای برنامه‌های برنامه‌ریزی نشده یا گوش دادن به صداهای غیرپخش شده از رسانه‌های الکترونیکی را آموزش می‌دهد (ساندرز، ۲۰۱۴، ص. ۱).

بنابراین این برنامه درسی، به مادران توانایی توانایی شناخت و درک انتقادی، توانایی تجزیه و تحلیل (شکستن محتوای رسانه به عناصر معنادار)، ارزشیابی (داوری درباره ارزش محتوای رسانه‌ای یا امکان مقایسه آنها)، گروه‌بندی (تعیین اجزای مشابه و متفاوت محتوای رسانه‌ای)، استقراء (نتیجه‌گیری از محتوای رسانه‌ای و تعمیم آن)، قیاس (استفاده اصولی برای تبیین موارد خاص)، ترکیب (جمع‌بندی پیام‌های مختلف در ساختاری جدید)، خلاصه سازی (ارائه توصیفی روشن، درست و فشرده از محتوای رسانه‌ای) را آموخت و با توانمندی آنان در این مهارت‌ها، درک نحوه عملکرد رسانه‌ها و چگونگی منطقی بودن آنها، شناخت ماهیت و تعیین اهداف تولید پیام‌های رسانه‌ای و بررسی آثار و تکنیک‌های رسانه‌های مختلف را افزایش داد (بهداری خسروشاهی و برگی، ۲۰۱۸، ص. ۲۹۰). پرورش این مهارت‌ها موجب شد تا والدین به طور فعالانه برای قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها، از این قابلیت‌ها استفاده کنند تا پیام‌هایی که رسانه‌ها ارائه می‌دهند را بهتر انتخاب، تحلیل و تفسیر نمایند و نتیجه آن، کاهش استفاده آسیب‌زا از اینترنت در مادران بود.

همچنین آشنایی با پدیده‌هایی از جمله قلدری و قلدری سایبری و شیوه مواجهه با آن و همچنین شناخت علائم اعتیاد به اینترنت، فضای مجازی، اعتیاد به بازی و گوشی موبایل به مادران کمک نمود این علائم را در خود و کودک خود شناسایی و با دستیابی به بینش نسبت به مشکل خود در راستای حل این مسأله تلاش نماید. این آموزش‌ها در راستای افزایش انگیزه شرکت مادران در این آموزش و کاهش استفاده آسیب‌زا از اینترنت تأثیر فراوان داشت.

افزایش تفکر انتقادی کودکان در نتیجه شرکت مادران در برنامه سواد رسانه‌ای ویژه والدین دارای کودک دوره ابتدایی را می‌توان به تجهیز نمودن والدین به الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به کودکان در خانه (عظیمی و طباطبای، ۱۴۰۲، ص. ۱) و بهبود تعاملات والد-کودک (اعتمادی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۷) نسبت داد. تجهیز نمودن والدین به این الگوی آموزشی موجب شد تا تردیدهای آنان در برخورد با فرزندان خود در مواجهه با رسانه‌ها از بین برود. چهار گام این الگو در مطالعات گذشته نیز مورد تأیید بوده است (عیدی نجف‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ انصاری و همکاران، ۱۴۰۱). آموزش مصرف کارکردی به منظور دستیابی به سواد رسانه‌ای مصرفی ارائه شد. سواد رسانه‌ای مصرفی، اولین سطح از سواد رسانه‌ای است و به قابلیت فهم و نحوه دسترسی و استفاده از رسانه‌ها با سطوح مختلف اشاره دارد (انصاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۴). در اولین گام، کودکان آموختند که چگونه به رسانه‌ها دسترسی داشته باشند و از آنها استفاده کنند. بر این اساس باید بر مبنای استنتاج معانی و یادگیری توانایی فنی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، میزان دسترسی و چگونگی استفاده خود را آگاهانه به دست بگیرند. بنابراین کودکان با مهارت مصرفی، می‌دانند چگونه از رایانه و موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی برای یافتن اطلاعات در شکل‌های مختلف رسانه‌ای استفاده نمایند و قادرند ایده‌ها و نظرات دیگران را دریافت و تفسیر نمایند. این سطح از سواد رسانه‌ای، با بعد عاطفی و مؤلفه‌های همدلی و فعالیت در تفکر مراقبتی مرتبط است. تفکری که با تعهد و احساس مسئولیت همراه است و سبب پیوند فکر می‌شود (شارپ، ۲۰۱۴، ص. ۱۵) و در راستای فهم بهتر دنیای شناختی و هیجانی دیگران حرکت می‌کند و باعث افزایش انگیزه و مشارکت فعال در دریافت پیام می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۴). این مرحله بستر پرورش تفکر انتقادی را فراهم می‌کند.

آموزش مصرف انتقادی با هدف ارتقای مهارت تحلیل، تفسیر و برآورد پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محتوای رسانه‌ای ارائه شد. بر این اساس زمانی دانش آموزان توانایی انتخاب محتوا را می‌آموزد که استفاده منتقدانه را فراگیرند، به این معنا که با در نظر گرفتن شرایط ایدئولوژیکی، ارزش‌های اجتماعی و ویژگی‌های قدرت، به شکلی مداوم خود را در موقعیت نقد و پرسشگری از رسانه قرار دهند. این سطح از سواد رسانه‌ای شامل تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی است. تقویت تجزیه و تحلیل به افزایش توانایی کودکان برای ساختار شکنی پیام‌های رسانه‌ای بر حسب مؤلفان، قالب‌ها، مخاطبان، و اهداف و شناخت ذهنی پیام‌های رسانه‌ای، تقویت ترکیب موجب قابلیت نمونه‌گیری، بازترکیب و مقایسه محتوای رسانه‌ای منابع مختلف و آموزش ارزیابی موجب افزایش توانایی بررسی قابلیت اعتماد و اعتبار محتوای رسانه شد (انصاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۵). در این روش، کودکان به مهارت‌های فراشناخت و

حل مسئله مجهز می‌شوند تا بتوانند تفکر منظم‌تری را برای پرداختن منتقدانه به پیام‌های دستکاری شده کسب نمایند و به اطلاعات درست و به دور از سوگیری دست پیدا کنند. بنابراین این در این مرحله کودکان به تفکر انتقادی دست خواهند یافت.

آموزش تولید-مصرف کارکردی سطح بعدی الگوی سواد رسانه‌ای در برنامه درسی ویژه والدین بود. این سطح شامل مهارت تولید محتوا، اشتراک‌گذاری، قابلیت بازنمایی و آزمونگری دائم تولیدات بود. کودکان در این سطح، توانایی ترکیب و یا بازآرایی قطعه‌های صوتی و تصویری در قالب رسانه را کسب نمودند و آموختند که دائماً فرضیه‌ها و تولیدات خود را مورد بررسی انتقادی قرار دهند. در آخرین سطح کودکان آموختند که مشارکتی منتقدانه و تعاملی در رسانه داشته باشند و به این دلیل هوش جمعی و مهارت‌های اجتماعی در آنان تقویت شد. با افزایش هوش جمعی و مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموزان توانستند تقلب‌ها و فریبکاری‌ها را از واقعیت تشخیص دهند، نظرات و دیدگاه‌های دیگران را بهبود ببخشند، با دیگران به بحث و تبادل نظر بپردازند و به ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مخالف خود احترام بگذارند. برخورداری از این سطح از سواد رسانه‌ای پرورش تفکر مراقبتی، انتقادی و خلاق را در پی دارد؛ چراکه کودکان با استفاده از تفکر مراقبتی، مشتاقانه در بحث‌ها و گفت‌وگوها شرکت نمودند، به واسطه تفکر انتقادی به پرسشگری در مورد ایده‌ها و نظرات پرداختند و با دستیابی به اطلاعات درست، مناسب و فاقد سوگیری و به وسیله تفکر خلاق، توانستند به راه‌حل‌ها و فرضیه‌های بدیع و با اصالت برای حل مشکلات موجود، دست یابند. بنابراین به نظر می‌رسد گام اول بسترساز تفکر انتقادی، گام دوم موجب ایجاد تفکر انتقادی و دو گام نهایی در تقویت این تفکر عمل نمودند.

از آنجایی که این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دوره ابتدایی در شهر اصفهان به همراه مادرانشان صورت گرفته است تعمیم نتایج به دیگر گروه‌ها با محدودیت مواجه است. همچنین عدم اجرای دوره پیگیری از محدودیت‌های پژوهش حاضر بوده است. در راستای محدودیت‌های ذکر شده به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌های مشابه در دیگر شهرها با فرهنگ‌های مختلف نیز اجرا شود تا مبنایی برای مقایسه فراهم شود. به علاوه بررسی اثرات بلندمدت این برنامه به محققان آینده پیشنهاد می‌شود. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین بر کاهش استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و کاهش تفکر انتقادی کودکانشان و با در نظر گرفتن اهمیت ارتقای سواد رسانه‌ای در خانواده‌های ایرانی و با توجه به چشم‌انداز ۱۴۰۴ تحول آموزش و پرورش در خصوص ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به دست‌اندرکاران آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود به‌منظور کاهش استفاده آسیب‌زا از اینترنت مادران و کاهش تفکر انتقادی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، برنامه درسی سواد رسانه‌ای ویژه والدین به‌عنوان یک برنامه اجباری فوق برنامه در مدارس دوره ابتدایی ارائه شود.

تشکر و قدردانی: از تمامی مادران و کودکان شرکت‌کننده برای همراهی مطلوب در این طرح پژوهشی صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

References

- Alinejad, H., & Azimi, M. (2022). the necessity of parents' media literacy during virtual education and providing solutions to improve it. *The first national conference of family and child psychology, Kermanshah*, <https://civilica.com/doc/1524555> (Text in Persian).
- Ansari, S., Saraji, F., & Yousefzadeh M. (2019). Clarifying the model of media literacy education for second year elementary school students based on the principles of FABK. *Thinking and the Child*, 11(1), 1-2. <https://doi10.30465/FABAK.2020.5548> (Text in Persian).
- Ansari, S., Saraji, F., & Yousefzadeh M. (2022). Features of media literacy teaching curriculum in the second year of elementary school. *Scientific Journal of Educational Technology*, 17(1), 103-120. https://jte.sru.ac.ir/article_1823.html (Text in Persian).
- Austin, E. W., Austin, B. W., Willoughby, J. F., Amram, O., Domgaard, S. (2021). How Media Literacy and Science Media Literacy Predicted the Adoption of Protective Behaviors Amidst the COVID-19 Pandemic. *J Health Commun*, 26(4), 239-252. <https://doi10.1080/10810730.2021.1899345>.

- Azimi, S & Tabataba, N. (2024). The role of parents' media literacy in critical thinking of first year high school students. *New educational approaches*, Articles ready for publication, accepted <https://doi.org/10.22108/NEA.2023.136499.1864> (Text in Persian).
- Bahadorikhosroshahi, J & Bargi, I. (2018). The role of Media literacy for parents and social identity with media consumption students. *New Media Studies*, 4(14), 290-316. <https://doi.org/10.22054/nms.2018.20409.187> (Text in Persian).
- Benisi, V & Rezvani, Z. (2023). Models of teaching media literacy in the second year of elementary school. *Journal of new developments in psychology, educational sciences and education*, 6(63): 184-195. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2060614> (Text in Persian).
- Darvishzadeh, G., Latifi, Z. & Soltanzadeh, M. (2019). Investigating the effect of teaching the correct use and time management of parents from mobile phones, social media and virtual space on the attachment pattern, behavioral problems of children and the amount of internet addiction in parents. *Thinking and the Child*, 11(2), 63-82. <https://doi.org/10.30465/FABAK.2021.6231> (Text in Persian).
- De Masi, A & Wac, K. (2022). *The Importance of Smartphone Connectivity in Quality of Life*. In: Wac, K., Wulfovich, S. (eds) *Quantifying Quality of Life*. Health Informatics. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-94212-0_23
- de Vries, H.T., Nakamae, T., Fukui, K., Denys, D & Narumoto, J. Problematic internet use and psychiatric co-morbidity in a population of Japanese adult psychiatric patients. *BMC Psychiatry*, 18(9), <https://doi.org/10.1186/s12888-018-1588-z>
- DeVon, HA., Block, ME., Moyle-Wright, P., Ernst, DM., Hayden, SJ., Lazzara, DJ. (2007). A psychometric toolbox for testing validity and reliability. *Journal of Nursing scholarship*, 39(2): 155-164. <https://doi.org/10.1111/j.1547-5069.2007.00161.x>.
- Eidi Najafabadi, Z., Saadatmand, Z., Keshtiaray, N. (2022). Designing the Curriculum Model of Media Literacy in the Second Grade of Elementary School and Its Validation. *Iranian Journal of Educational Sociology*. 5 (3): 227 - 241. <https://doi.org/10.1001.1.26453460.2022.5.3.17.9> (Text in Persian).
- Eshagh neymvari, N., Abolghasemi, S., HamzehPoor Haghghi, T. (2023). Analysis of structural equations in the relationship between family communication patterns with tendency to critical thinking and students' happiness with the mediating role of cognitive flexibility in students. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*. 4(1), 61-75. <https://doi.org/10.52547/jspnay.4.1.61> (Text in Persian).
- Etemadzadeh, H., Mohammadi, H & Ariapooran, S. (2022). Correlation of Components of Child-Parent and Student-Teacher Relationships with Tendency to Critical Thinking in Sixth-Grade Students. *The Quarterly Journal of New thoughts on Education*. 18(3): 1-6 <https://doi.org/10.22051/JONTOE.2022.31404.3046> (Text in Persian).
- Firoozfar, I., Faghihi, A & Erfani, N. (2020). Develop Model of Environmental Ethics Based on Caring Thinking through Critical Thinking for the Second Grade of High School Students in Hamadan. *Quarterly Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, 9(1), 25-40 <https://doi.org/10.30473/ee.2020.7225> (Text in Persian).
- Habibi-Kaleybar, R & Bahadorikhosroshahi, J. (2020). The Effectiveness of Teaching Life Skills (Critical Thinking) on Self-Control and Attitudes toward Drug Abuse among High-School Students. *Thinking and Children*, 11(1): 27-45 [Doi: 10.30465/FABAK.2020.5547](https://doi.org/10.30465/FABAK.2020.5547) (Text in Persian).
- Ioannidis, K., Taylor, C., Holt, L., Brown, K., Lochner, C., Fineberg, N. A., Corazza, O., Chamberlain, S. R., Roman-Urrestarazu, A., & Czabanowska, K. (2021). Problematic usage of the internet and eating disorder and related psychopathology: A multifaceted, systematic review and meta-analysis. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 125, 569-581. <https://doi.org/10.1016/j.neubiorev.2021.03.005>
- Jafari, A. (2017). Comparative study of media literacy of students and their parents based on Potter's classification (case study: Ardabil city). *Educational Technologies in Learning*, 4(14), 1-21 <https://doi.org/10.22054/jti.2020.43733.1270> (Text in Persian).
- Kożybska, M., Kurpisz, J., Radlińska, I., Skwirzyńska, E., Serwin, N. (2022). Problematic Internet Use, health behaviors, depression and eating disorders: a cross-sectional study among Polish medical school students. *Annals of General Psychiatry*, 21, 5 <https://doi.org/10.1186/s12991-022-00384-4>
- Liu, J., Wu, L., Sun, X., Bai, X & Duan, C. (2023). Active Parental Mediation and Adolescent Problematic Internet Use: The Mediating Role of Parent-Child Relationships and Hiding Online Behavior. *Behav. Sci*, 13, 679. <https://doi.org/10.3390/bs13080679>
- Lopez-Fernandez, O., Romo, L., Kern, L., Rousseau, A., Lelonek-Kuleta, B., Chwaszcz, J., et al. (2023). Problematic Internet Use among Adults: A Cross-Cultural Study in 15 Countries. *J. Clin. Med*, 12(3), 1027; <https://doi.org/10.3390/jcm12031027>
- Metwally Ramadan, R. (2022). The Role of Media Literacy in Shaping Parents' Awareness of Their Children's Usage of Digital Platforms. *The Egyptian Journal of Research and Information*, 80: 1983-2002. https://ejsc.journals.ekb.eg/article_268256.html?lang=en
- Mendoza, K. (2019). *Family Strategies for Managing Media in the Home*. The International Encyclopedia of Media Literacy. <https://doi.org/10.1002/9781118978238.ieml0071>

- Motaghi, S., & Safai, P. (2017). Examining the psychometric indicators of the traumatic use of the Internet questionnaire. *Research in Psychological Health*, 11(2), 92-102. <http://rph.khu.ac.ir/article-1-2739-en.html>
- Niakan, M. & Fani, H. (2014). *The effect of implementation of philosophy program for children and teenagers on critical thinking and academic performance of primary school girls in Shahr Abadan in the academic year 92-93*. The first scientific research conference of psychology, educational sciences and pathology of society. <https://civilica.com/doc/439314> (Text in Persian).
- Otsuka, Y., Kaneita, Y., Itani, O., Jike, M., Osaki, Y., Higuchi, S. (2020). Skipping breakfast, poor sleep quality, and Internet usage and their relation with unhappiness in Japanese adolescents. *PLoS ONE* 15(7): e0235252. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0235252>
- Park, S & Lee, Y. (2017). Associations of body weight perception and weight control behaviors with problematic internet use among Korean adolescents. *Psychiatry Res*, 251, 275-280. DOI: [10.1016/j.psychres.2017.01.095](https://doi.org/10.1016/j.psychres.2017.01.095)
- Pourmohsani Kalori, F., Sabouri, F. & Moulai, M. (2018). The effectiveness of teaching creativity skills on critical thinking, social skills and creativity of sixth grade elementary students. *Thinking and the Child*, 10(2): 1-23. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1675195> (Text in Persian).
- Sakakihara, A., Haga, C & Osaki, Y. (2019). Association Between Mothers' Problematic Internet Use and the Thinness of Their Children. *Cyberpsychol Behav Soc Netw*, 22(9), 578-587. <https://doi.org/10.1089/cyber.2018.0685>.
- Sakakihara, A., Haga, C., Kinjo, A & Osaki, Y. (2019). Association between mothers' problematic Internet use and maternal recognition of child abuse. *Child Abuse & Neglect*, 96, 10408 <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.104086>
- Salarian, A, Salehi Amiri, R., Soltanifar, M., Qayyumi, A. & Abtahi, A. (2018). Investigating how to teach media literacy for first graders. *Social-Cultural Development Studies*, 8 (3), 209-236. <http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-۱-۱۰۴۷-fa.html>
- Sanders, B. (2014). *An economic agenda for America: 12 steps forward*. *HuffPost*, 1 December. Available at https://m.huffpost.com/us/entry/us_6249022?fbclid=IwAR0wSQNGrz0Ogu5Bk8Rxb2b9wrB1Voe4_QSS5aeUA1XffNk5oF5F0G88ubQ
- Sharp, A. M. (2014). The Other Dimension of Caring Thinking (with a new commentary by Phillip Cam. *Journal of Philosophi in School*, 1(1), 15-21. <https://doi.org/10.21913/JPS.v1i1.989>.
- Taji, H., & Dibai Saber, M. (2023). Identifying the components of media literacy education and analyzing its place in the upstream documents of Iranian education. *Educational Innovations Quarterly*, 22(1), 7-30. <https://doi.org/10.22034/JEI.2023.316172.2181> (Text in Persian).
- Thomas, D. (2020). Social Media Addiction, Critical Thinking and Achievement Emotions Among EFL Students in Thailand. *Asia Pacific Journal of Educators and Education*, 35(1), 157-171 <https://doi.org/10.1108/LHT-11-2021-0393>
- Tran-Duong, Q. (2023). The effect of media literacy on effective learning outcomes in online learning. *Educ Inf Technol*, 28(3), 3605-3624 <https://doi.org/10.1007/s10639-022-11313-z>
- Vaezzadeh, R., & Akbarnetaj, S. (2021). examining the role of mothers' media literacy (literate) on children's upbringing, 6th National Conference on New Approaches in Education and Research, Mahmoudabad, <https://civilica.com/doc/1391361>
- Zhu, Y., Deng, L., & Wan, K. (2022). The association between parent-child relationship and problematic internet use among English- and Chinese-language studies: A meta-analysis. *Front. Psychol.* 13:885819. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.885819>

